تعارض داخلی روایت، لازمه برداشت شیخ انصاری

این فرمایش شیخ بود. پس توفیق سه جور شد. چند دقیقه‌ای در فرمایش شیخ دقت کنیم و جلو برویم. مرحوم شیخ فرمودند چه کنیم که ظاهر قول «وفق له»، این است که این همان ماه مبارک است. صفحه ۱۱۶ بود:

> **إنّ ظاهر الدليل المذكور- أعني قوله (عليه السلام) في الأخبار المستفيضة: «و إن كان من رمضان فيوم وفّق له»- يدل على أنّ الواقع منه نفس صوم رمضان، لا أنّ صوم غير رمضان يصير بدلا عن صوم رمضان، فدلّ على أنّ نيّة الغير لا تقدح في وقوع صوم رمضان، إذا وقع أصل الصوم لداعي مطلوبيّته في ذلك اليوم، و إن كان عنوان المطلوب في الواقع مخالفا لعنوانه باعتقاد المكلّف، إلّا أنّ ظاهر قوله: «يوم وفّق له»- في الأخبار- معارض بقوله (عليه السلام)- في بعضها الآخر-: «أجزأ عنه» فإنّ ظاهره المغايرة و البدليّة[1]**

«إنّ ظاهر الدليل المذكور- أعني قوله (عليه السلام) في الأخبار المستفيضة: «و إن كان من رمضان فيوم وفّق له»- يدل على أنّ الواقع منه نفس صوم رمضان»؛ این لاریب فیه است و مطلب روشنی است. مرحوم شیخ هم می‌فرمایند. خب وقتی این روشن است چرا می خواهید از آن عدول کنید؟ فرمودند:

> **6:42**

«إلّا أنّ ظاهر قوله: «يوم وفّق له»- في الأخبار- معارض بقوله (عليه السلام)- في بعضها الآخر-: «أجزأ عنه»»؛ وقتی معارضه شد فضا سنگین می‌شود. خب حالا من در این‌جا چند نکته عرض دارم. اول این‌که این معارضه را ضعیف می‌کند غایة الضعف، این که در روایت سماعه هر دو تعبیر آمده است. ایشان می‌گویند این روایت با آن روایت معارض است، اما آیا یک روایت با خودش معارض است؟! این چه معارضه‌ای است؟! یا می‌گویند «في بعضها الاخر». شاید وقتی این را می فرمودند به این خاطر بوده که تقطیع شده بود. همانطور که روایت سماعه تقطیع شده بود. یکی از چیزهایی که در فرمایش شیخ است، این است که روایات را تمام نیاورده‌اند. حاج آقا رضا تمام آورده‌اند. صاحب حدائق تمام آورده‌اند. اینها خوبی آن کتاب است. اما در کتاب صوم روایت تمام نیامده است.

من از وسائل بخوانم؛ روایت سماعه در باب پنجم، حدیث چهارم؛ چون در این روایت تعبیر «تفضل» آمده خیلی مهم است. به نظرم استظهار از این روایت، فصل الخطاب هم دارد. یعنی قرینه داخلیه

دارید. اما فعلاً این فضا به پا است.

> **عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما و الا يدري أمن شهر رمضان، وه و أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا ال يعتد به فقال: بلى فقلت: إنهم قالوا: صمت وأنت ال تدري أمن شهر رمضان هذا أم من غيره؟ فقال: بلى فاعتد به فإنما وه شئ وفقك الله له، إنما يصام يوم الشك من شعبان، و ال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما يونى من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس**[2]

«عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما و ال يدري أمن شهر رمضان، وه و أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا ال يعتد به»؛ روزه را گرفتی اما چون نمیدانستی «لایعتد به». **«فقال: بلى»**؛ بلی یعنی یعتد به. چون بلی برای مقابل منفی است. قال ابن عباس ولو قال نعم لكفروا[3]. این جمله معروفی است. «أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى[4]»؛ ابن عباس گفته «ولو قالوا نعم لكفروا»؛ یعنی نه، خدای ما نیستی. «نعم» به خود نفی میخورد. اما «بلی» برای برگشت از نفی است. «بلی» یعنی هستی.

«فقلت: إنهم قالوا»؛ دلیل کسانی که «لایعتد» گفتند میدانید چیست؟ **«صمت وأنت ال تدري أمن شهر رمضان هذا أم من غيره؟»؛** یعنی نمیدانی که. **«فقال: بلى فاعتد به»؛** دوباره با بلی تأکید کردند که اعتداد به آن هست. **«فإنما وه شئ وفقك الله له»؛** ببینید اگر کلمه «وفق» بخواهد با «اجزأ» متعارض باشد، در یک حدیث میآید؟!

«إنما يصام يوم الشك من شعبان، و ال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما يونى من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس»؛ کل این حدیث را در نظر بگیرید. پس واً«اجزأ عنه» در این حدیث آمد و «وفقک الله» هم آمد. آیا اینها با هم معارض هستند؟! باید فهم کرد. در یک حدیث است. مرحوم شیخ میفرمایند که اینها معارض هستند.

---

[1] کتاب الصوم ۱۱۶

[2] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ص۱۳

[3] مغنی اللبیب ج ۱ ص۱۱۳

[4] الاعراف ۱۷۲

بازبینی #1
ایجاد شده در 25 مه 2026 10:24:06 توسط ... .
به روزرسانی شده در 25 مه 2026 10:26:40 توسط ... .